

در خانه احساس امنیت ندارید؟ شاید طلاق گرفته اید!

منشاء طلاق چیست؟ دلایل مختلفی برای طلاق و انواع آن گفته شده است. تحقیقات در مورد دروغ نشان می دهد ...



سلامت نیوز: منشاء طلاق چیست؟ دلایل مختلفی برای طلاق و انواع آن گفته شده است. تحقیقات در مورد دروغ نشان می دهد که ایرانیان به دلیل نا امن بودن دروغ می گویند. احساس ناامنی در خانواده بیشتر است و زنان به شوهران بی اعتمادند. مرحله ششم طلاق، طلاق پنهان است که چون به زن انگ می خورد و حمایت اقتصادی ندارد این طلاق ایجاد می شود و آسیبهایی بالاست. این یعنی احساس ناامنی و برای همین زن و شوهر در خانه به هم دروغ می گویند.

دروغ نگویند، اما هر راستی را هم نگویند
به گزارش سلامت نیوز به نقل از خبرآنلاین بسیاری از روان شناسان و جامعه شناسان معتقدند که دروغگویی در میان ایرانیان رشد یافته و در حال افزایش است و این آسیب بسیار جدیدی هست. اما چرا ایرانیان دروغ می گویند؟

این همان موضوعی بود که رهبر معظم انقلاب اسلامی هم در سفر بجنورد در زندگی اسلامی- ایرانی به آن اشاره کردند که چرا دروغ در جامعه رواج پیدا کرده است.
در همین زمینه میزگردی با حضور حجت الاسلام محمدرضا درانی، استاد حوزه و دانشگاه، دکتر اصغر مهاجری، جامعه شناس و سیدحسن موسوی چلک، کارشناس آسیبهایی اجتماعی برگزار شد.

مشروح این میزگرد:

همانطور که می دانید مقام معظم رهبری در سفر خود به شهرستان بجنورد در بیان سبک الگوی زندگی اسلامی- ایرانی، 37 موضوع و 20 پرسش را مطرح کردند که یکی مربوط به دروغ بود. اینکه چرا در جامعه چرا اینقدر دروغگویی افزایش داشته است. اگر این موضوع را آسیب شناسی کنیم به نظر شما چرا اینگونه است؟

درانی: ابتدا باید بدانیم که نوع نگاه به دروغ چگونه است و چه تعریفی از دروغ داریم. طبق تعاریف دینی دروغ گناه است و در واقع یک رذیله اخلاقی و عمل زشت محسوب می شود. دروغ گفتن جایز نیست اما نگاه دین به موضوعات اخلاقی کاملاً متعالی است. اسلام دین اخلاق است و حرکت پیامبر هم کاملاً اخلاقی است و اولین کلمه ای که به پیامبر وحی می شود کلمه بخوان (اقرأ) است. بنابراین حرکت ایشان فرهنگی است و بعثت ایشان فرهنگی است. دروغ به هر حال یکی از گناهان است و خیلی عجیب است که ما عدو الله را نسبت به هیچ گناهی جز دروغگویی نداریم. در کودکی هم به ما می گفتند که دروغگو دشمن خداست. روایات فراوانی هم درباره دروغگویی وجود دارد، مثلاً اگر تمام بدیهای دنیا در یک اتاق جمع شوند کلید آن دروغ و قفل آن شراب است. چقدر عجیب است دروغ در دنیا و آخرت انسان را از رحمت الهی دور می کند. همچنین اعتبار فرد دروغگو در جامعه از بین می رود و جامعه دچار نفاق می شود. بنابراین دروغ در همه فرهنگ های انسانی امری ناپسند و زشت شمرده می شود. این بیانگر آن است که دروغ از نظر عقل و عقلاء، بد و ضدارزشی و اخلاقی است و فطرت سالم انسانی، دروغ را بر نمی تابد چرا که دروغ خلاف حقیقت و واقع است و انسان، ناراستی را در هر شکل و شمایلی نمی پسندد و از آن بیزاری می جوید. از نظر آموزه های اسلامی، دروغگو دشمن خداست و خداوند دروغگویان را در زمره ظالمان و محروم از هدایت و رستگاری دانسته و وعده دوزخ و عذاب دردناک داده است. اما با این همه، برخی با توجیهات و بهانه تراشی و عذر تراشی ها می کوشند تا دروغ های خود را خوب و زیبا جلوه دهند و با عناوینی آن را مقبول و جایز بشمارند. این درحالی است که دروغ در هر شکل و قالبی و با هر انگیزه ای، بد و زشت است و تأثیرات منفی خود را بر فرد و جامعه به جا می گذارد که از جمله آن ها بی اعتمادی به شخص است. خداوند در آیاتی روشن می کند که مجازات دروغگویان به سبب ارتکاب این عمل زشت و گناه تنها در آخرت انجام نمی گیرد بلکه گاه عذاب های استیصال در همین دنیا نیز اعمال می شود چنانکه بر دروغگویان قوم شعب نازل شد. (هود، آیات 91 تا 93) در آخرت نیز خداوند مأموران دوزخ را مأمور می کند تا با شدت و حدت، دروغگویان را به سوی آتش دوزخ بکشانند و آنان را مجازاتی سخت و دردناک دهند. (علق، آیات 16 تا 18؛ جاثیه، آیات 7 و 8)

شگفت اینکه این مجازات ها در دنیا و آخرت اختصاص به دروغگویان ندارد، بلکه حتی شنوندگان دروغ و کسانی که برای شنیدن دروغ گوش هایشان را تیز می کنند و تمام حواس خود را مصروف شنیدن دروغ می کنند، تهدید به مجازات های سخت در دنیا و

مهاجری: یک عالم دینی از ایمان سخن می گوید و منابعی دارد. من از واقعیتی حرف می زنم که ممکن است مطلوب نباشد اما واقعیت دارد. بنابراین روش روانشناختی ما در مورد مسائل متفاوت است. عالم دینی همه مسائل و هنجارها را دستوری عنوان می کند، مثلاً می گوید دروغ نگو، همه را ست را هم نگو. اما من در نظام جامعه تحلیل می کنم، لذا من از میانگین حرف می زنم. یافته های من تحقیقاتی است و جهت گیری ذهنی ندارد برخلاف گفته های دینی علما. و تابو نگرانه نیست. نکته بعدی اینکه من تحقیقاتی را عنوان می کنم که ممکن است حتی باور هم نداشته باشم اما عالم دینی به هرآنچیزی که می گوید باور دارد. شما ممکن است چیزهایی را برچسب واقعیت بزنید که در یک فرهنگ چنین نیست اما در بحث اجتماعی متمایز از دین و سنت الهی است. بنابراین سخنان من جامعه شناس با شمای دین شناس کاملاً متفاوت است. خواستم در ابتدای صحبت من این موضوع را روشن کنم.

اسلام دین مقتضیات است اما حوزه فقهات در امواج مسائل روز خیلی به سرعت سوار نشده است و ابهاماتی وجود دارد که جوانان چون جلوتر از ما هستند هنوز به نتایج آن نرسیدند که همین می تواند خطرناک باشد. جبران خلیل جبران در کتاب محمد (ص) جمله ای دارد از قول حضرت علی (ع) که فرزندان؛ فرزندان شما نیستند، آنان فرزندان زندگی اند که به خویشستن خویش مشتاق اند. آنان به وسیله شما به این جهان می آیند اما از آن شما نیستند. اگر چه با شما زندگی می کنند اما از آن شما نیستند. شما می توانید به آنان عشق بورزید اما نمی توانید بذر اندیشه هایتان را در آنان بکارید چون اندیشه های مستقل دارند. آنان را چون تیر در کمان اندازید و رها کنید، اگر قرار است شبیه آنها شوید خود را شبیه آنها کنید نه آنها را شبیه خودتان. این موضوع مبنای علمی دارد. کنشگران متقابل رفتار نمادین معتقدند که جهان بیرونی در برخورد ذهن با دنیای پیرامون شکل می گیرد و تفسیری که کنشگر می کند آن را اعلام می کند.

تحقیقات در مورد دروغ نشان می دهد که ایرانیان به دلیل نا امن بودن دروغ می گویند چون باید سنگرها را حفظ کنند، برای همین ایرانیان از خودشان چند لایه ساخته اند. در کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران، استاد مطهری می گوید که هنجار حجاب از ایران گرفته شده بود اما فلسفه آن اسلامی و دینی نبود و به خاطر ناامنی جامعه بود که زنان داشتند، بنابراین برای ایجاد امنیت افراد برای خود لایه می سازند. در جامعه ناامن در تمام زمینه ها اشخاص ناخودآگاه به سمت دروغ می آیند تا پنهان کاری کنند و حریم امنیت ایجاد کنند. این موضوع به قبل از اسلام هم باز می گردد اما در برخی زمانها این احساس ناامنی بیشتر است و دروغ هم بیشتر می شود. بنابراین تحقیقات ما نشان می دهد که بین ناامنی و دروغ یک رابطه مستقیمی وجود دارد. مثلاً اخیراً زمانیکه عنوان می کنند نگران نباشید مثلاً دلار بالا نمی رود، سریع مردم دلار می خردند چون می داند دروغ است و این پیش زمینه را دارند. یکی از مشکلات ما در پرسشنامه همین موضوع است که پاسخگو هیچ وقت درآمد واقعی را اعلام نمی کند چون احساس نا امنی می کند. در شرایط فعلی که ناامنی وجود دارد دروغ همگانی تزریق می شد. در یک تحقیق واریانس بین امنیت و ناامنی زیاد بود، البته گاهی هم امنیت وجود دارد اما ما همچنان احساس ناامنی می کنیم زیرا جامعه ایران این احساس را دارد. احساس ناامنی در خانواده بیشتر است و زنان به شوهران بی اعتمادند. من 10 سال پیش یک واژه را در یک برنامه تلویزیونی اعلام کردم که 85 درصد خانواده های ایرانی وارد طلاق پنهان شدند. چون همانطور که می دانید طلاق 13 مرحله دارد و آخرین مرحله آن عاطفی است. هیچ کس به طور کامل صد درصد طلاق نمی گیرد و دچار فراموشی نمی شود. مرحله ششم طلاق، طلاق پنهان است که چون به زن انگ می خورد و حمایت اقتصادی ندارد این طلاق ایجاد می شود و زن قدرت ورود از مرحله ششم به هفتم را ندارد اما طلاق اتفاق افتاده و آسیبهایی بالاست. این یعنی احساس ناامنی و برای همین زن و شوهر در خانه به هم دروغ می گویند. یا یک کارمند به دروغ حکم می کند چون مدیر او اینگونه می خواهد و نمی تواند دیدگاه شفاف خودش را اعلام کند و همین یعنی احساس ناامنی.

اما ای دروغگویی این است که در ایران متأسفانه سرمایه اجتماعی زیاد نیست. یعنی یک مثلث سه ضلع که اعتماد، مشارکت و شفافیت را در نظر بگیرید، در ایران مشارکت فرمایشی است و ایرانیان با هم کار گروهی انجام نمی دهند و در نتیجه عدم اعتماد ایجاد می شود. دروغ هم یکی از محصولات این جامعه است. در تحقیقاتی که ما انجام می دهیم مدیران آنها را بایگانی می کنند و شفاف عمل نمی کنند، به نظر من سرمایه اجتماعی از سرمایه اقتصادی هم مهمتر است. مشکل بعدی که باعث دروغگویی شده و بعد از انقلاب به خاطر عدم مدیریت بیشتر شد، تئوری مرتون است که عدم همکاری اهداف با وسایل است. یعنی همان ارزشها. ما انقلاب کردیم برای ارزشها اما ارزشهای مادی و منزلت افراد به ثروت تغییر نکرد و بیشتر هم شد. توزیع ثروت در جامعه نابرابر و ناعادلانه است. برای همین دروغ زیاد می شود و برای رسیدن به مادیات فریبکاری افزایش می یابد. الان رسانه، صدا و سیما و دانشگاه هر کدام چیزی می گویند و آموزش غیر رسمی بسیار متفاوت با دولت است و این دروغ را آموزش و گسترش می دهد.

موسوی چلک: بچه که بودیم وقتی کسی دروغ می گفت بلافاصله به او می گفتند که: دروغگو دشمن خداست. وقتی بزرگتر شدیم متوجه شدیم که دروغ گفتن یعنی این که یک موضوع را غیر واقعی جلوه دادن دروغ است. به عبارت ساده تر «؛خلاف واقع است. بعداً که با کتاب خدا آشنا شدیم، دیدیم که در چند سوره از جمله سوره های مبارکه «؛شعرا» و همچنین «؛مجادله» در این زمینه تأکید شده که منشأ دروغ شیطان (ابلیس) است. پیامبر گرامی اسلام (ص) نیز در این زمینه تأکید می کند که: دروغگو دروغ نمی گوید جز بر اثر حقارت نفس. در سالهای اخیر مباحثی مطرح شده مثل مدیریت دروغ! این یعنی دروغ را در جامعه پذیرفته ایم و برای مدیریت آن داریم برنامه ریزی می کنیم. اگرچه دروغگویی بر فرهنگ ما تأثیر گذاشته و برای فرهنگ سازی برای

اجتناب از آن باید کار فرهنگی کرد، اگرچه کار فرهنگی زمان می‌برد و برنامه‌ریزی می‌خواهد اما طرح عناوینی چون مدیریت دروغ خودش چراغ سبزی است برای گسترش دروغ‌گویی. ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که یک جامعه اسلامی است و علاوه بر نظام غیررسمی در خانواده، فرزندان ما از کودکی و از سال‌های آغازین دبستان قرآن و تعلیمات دینی را در مدارس می‌خوانند. ما در این کتاب‌ها به کودکانمان یاد می‌دهیم که بر اساس مذهب و اعتقادمان وقتی یک دروغ می‌گوییم باید 70 دروغ دیگر بگوییم تا آن را توجیه کرده یا بپوشانیم اما با طرح مبحثی مثل مدیریت دروغ، در حقیقت مجوز دروغ گفتن تحت شرایطی خاص را صادر کرده‌ایم. بگذارید موضوع را طور دیگری مطرح کنیم. در جامعه امروز ایرانی به دروغ مزد اختصاص یافته است. در حالی که در بسیاری از جوامع به صداقت امتیاز می‌دهند. در بسیاری از جوامع فرد دروغگو طرد می‌شود، یعنی جامعه خودبه خود او را طرد می‌کند اما دروغ‌گویی در همه موارد در جامعه ایرانی نفوذ کرده است. در نظر بگیرید فردی سرطان می‌گیرد، خانواده‌اش از دکتر می‌خواهند که به او بگوید چیزی نیست درمان می‌شود! خب، این حق بیمار است که بداند به چه نوع بیماری مبتلا شده است.

به نظر شما دروغ‌گویی با چه اهدافی انجام می‌شود؟

درانی: دروغ گویان با اهداف و انگیزه‌های چندی متوسل به دروغ می‌شوند. در بسیاری از موارد منافع شخصی است که شخص را به دروغ‌گویی می‌کشاند و کمتر مواردی را می‌توان یافت که منافع دیگری با ملی، آنان را به دروغ سوق دهد. گاه هدف دروغ، پنهان کردن جرم و گناه و خلاف یا قانونی است که شخص مرتکب شده است. ریشه بسیاری از دروغ‌ها را می‌توان در این انگیزه و هدف خلاصه کرد. برادران حضرت یوسف(ع) نیز به قصد پنهان کردن جرم خود به دروغ متوسل شده بودند که خداوند آن را در آیات 17 و 18 سوره یوسف گزارش می‌کند.

انگیزه و هدف دیگری که شخص را به دروغ گویی می‌کشاند، نیرنگ و فریب است؛ چرا که نمی‌خواهد دیگری به سمت وسویی برود که مخالف اهداف دروغ‌گو و مقاصد و منافع و مصلحت اوست. از این رو با بهره‌گیری از دروغ و اعتمادی که دیگری به هر دلیل به او دارد (مانند استفاده از سوگند دروغ) شخص را گمراه می‌کند و فریب می‌دهد تا کاری را مرتکب یا ترک کند که خواسته دروغ‌گو است. البته کسی که برخلاف اعتقادات خود سخن می‌گوید نیز دروغ‌گو است. به این معنا که خودش به امری معتقد است برخلاف همان اعتقاد خود، سخنی دیگر را بر زبان می‌راند. هرچند که این سخن دروغ او در حقیقت راست و مطابق واقع و حقیقت است؛ ولی از آن جایی که شخص به آن اعتقادی ندارد و برخلاف آن اعتقاد دارد، این سخن گفتن برخلاف اعتقادات شخصی، نیز از مصادیق دروغ است. بطور مثال ممکن است کسی به حجاب یا خمس اعتقاد قلبی نداشته و آن را قبول نداشته باشد. اما در ظاهر از اهمیت آن سخن بگوید. چنین شخصی هرچند سخنی راست و مطابق با واقع می‌گوید اما چون به آن اعتقاد ندارد و سخن و دلش یکی نیست لذا دروغ‌گو محسوب می‌شود. از نظر آموزه‌های اسلامی همه دروغ‌ها به هر هدف و انگیزه‌ای که باشد زشت، بد و ناپسند و حتی گناه کبیره و حرام است و مرتکب آن نمی‌تواند به عناوینی چون هدف و قصد و انگیزه خیر و... آن را امری خوب و حلال و پسندیده جلوه دهد. به نظر من علت اصلی دروغ را اگر از نگاه اکادمی نگاه کنیم به خاطر عقده حقارت و خود کم بینی است.

موسوی چلک: چرا دروغ می‌گوییم؟ دروغ می‌گوییم، چون: خرجی ندارد، کنتور نمی‌اندازد، به نظرمی رسد مردم زودتر باور می‌کنند. به عنوان مثال: اگر کارمندی دیر بیاید سر کار، وقتی دلیل دیر آمدن را بی‌حالی خود بگوید کسی باور ندارد ولی اگر بگوید فرزندم بیمار بود سریع باور می‌کنیم و حرفش را می‌پذیریم. اگر دانش‌آموزی دلیل واقعی انجام ندادن تکلیفش را بگوید شاید باور نکنیم ولی اگر بگوید مادر بزرگم فوت کرده باور می‌کنیم. چون کمتر کسی است که در دوران تحصیل به دلیل انجام ندادن تکلیف خود چندین بار در تمامی مقاطع تحصیلی حتی در دانشگاه نیز پدر بزرگ یا مادر بزرگش فوت نکند. (بندگان خدا همه جوهره به دردمان می‌خورند). دروغ می‌گوییم چون زود به نتیجه می‌رسیم. گاهی مواقع هم از زوی حسادت دروغ می‌گوییم، از این که پیش دوستان مان هم کم نیاوریم خالی بندی می‌کنیم. چون برای دروغ در این دنیا باز خواست نمی‌شویم راحت دروغ می‌گوییم. وعده دروغ می‌دهیم، سخن دروغ می‌گوییم، گزارش دروغ ارائه می‌دهیم، دلایل غیر واقعی را می‌آوریم، اما بپذیریم که دروغ بی‌اعتمادی را افزایش می‌دهد، تکثیری می‌شود، معمولا دروغ ترک ندارد، نفاق را افزایش می‌دهد، فسق را گسترش می‌دهد، ایمان را خدشه دار می‌کند، موجب بدعت گذاری می‌شود، تعادل انسان‌ها را دچار اختلال می‌کند.

مثال دیگر اینکه دانشجو به کلاس دیر می‌رسد و توجیه می‌کند که در ترافیک مانده‌ام! در حالی که حداقل در تهران وسیله حمل و نقل عمومی‌ای به نام مترو داریم که زمانی طی کردن فاصله دو ایستگاه آن فقط 2 دقیقه است و دانشجو می‌تواند خودش را با آن تنظیم کند اما نمی‌خواهد به خودش سختی بدهد و برای جبران سهل انگاری‌اش دروغ می‌گوید.

بنابراین آقای درانی، 70 درصد ایرانیها دروغ می‌گویند چون عقده حقارت دارند؟

درانی: دروغ، انسان را درمیان مردم بی اعتبار نموده و اعتماد دیگران را از وی سلب می‌کند و آثار بسیار نامطلوبی در پی دارد، لذا دروغ از نظر اسلام حرام است. به این معنا که فراتر از حکم اخلاقی زشت و بد بودن، به عنوان حکم فقهی از میان احکام پنج گانه، حکم حرام بر آن مترتب شده است. بنابراین، از نظر اسلام، همواره دروغ امری زشت، بد و گناه است. از نظر اسلام، دروغ از مصادیق رذیلت اخلاقی است و هرگز به عنوان یک فضیلت معرفی نمی‌شود. از نظر فقهی و حکم شرعی، نیز گناه و حرام است. پس در همه احوال و موارد یعنی از نظر عمومیت و اطلاق اصولی باید گفت که هرگز چیزی به نام دروغ خوب نداریم. توجیهی برای گفتن دروغ وجود ندارد، اما آمار نشان می‌دهد مردم روزانه یک تا دو دروغ می‌گویند. در طی روز به دلایل مختلف دروغ گفته می‌شود خیلی اوقات دروغ را به اجبار توجیه می‌کنند و این یعنی افراد قبح دروغ را باور دارند. دلایل زیادی باعث گفتن دروغ می‌شود از جمله می‌توان تربیت

نامناسب کودکان را در این مقوله مهم دانست. ضعف اعتماد به نفس و احساس حقارت در افراد احتمال دروغ گفتن را بالا می برد، ترس از مجازات گفتن واقعیت هم از دیگر دلایل گرایش به دروغ است. به دنبال مقام و موقعیت بالا بودن هم می تواند دلیل دیگری در این مسئله باشد چنانچه افرادی که به دنبال مقام و موقعیت بالا هستند با گفتن دروغ سعی می کنند که یک مقام اجتماعی برای خودشان دست و پا کنند که در جوامع بسیار دیده می شود همچنین افرادی که دنیایی فکر می کنند و به آخرت اعتقاد ندارند نیز بیشتر جزو چنین دسته از افراد قرار می گیرند.

عدم درک زبان های دروغ نیز موجب بی تفاوتی در راست گویی و گرایش به دروغ گویی در برخی موارد می شود چنانچه کسانی که این پیامد ها را درک نمی کنند حتی در برخی مواقع که دلیلی هم ندارد دروغ می گویند، افراد حسود یا خود بزرگ بین نیز راحت دروغ می گویند. بسیاری از کودکان به دلیل ترس، آرزوها، جلب توجه، رفتارهای تقلیدی و یا فشارهای والدین دروغ می گویند، و باید دانست و آگاهی داشت که بسیاری از دروغگویان از دوران کودکی شروع به دروغ گفتن می کنند و دروغ گفتن تقریباً جزئی از شخصیت آنها شده است. منابع دینی به شدت افراد را از دروغ گفتن منع کرده است و ایمان و اعتقاد مذهبی نیز برای پیشگیری از دروغ تاثیرگذار است.

همچنین اگر روایات را نگاه کنیم آمده که دروغ منشأ بسیاری از گناهان است و باعث از بین رفتن موقعیت اجتماعی و اعتبار فرد می شود. تمام انبیا دروغ را تحریم کردند و جایگاهی در هیچ یک از ادیان ندارد. دروغ باعث فراموشی می شود بنابراین اسلام نگاه عمیقی به دروغ دارد. اما یک جاهایی دروغ مصلحتی داریم.

در عین اینکه شما عنوان می کنید دروغ در همه جا زشت و ناپسند است اما در مقابل دروغ مصلحتی و تقیه هم داریم که فرد در مواقعی به نفع خود از آن استفاده می کند بدون آنکه موارد کاربرد درست آن را بداند؟

درانی: هرگز اسلام و آموزه های آن، دروغی را خوب و حلال ندانسته است؛ بلکه در برخی از موارد به خاطر مصالحی بسیار مهم چون حفظ جان و عرض و آبرو یا مال بسیار زیاد، دروغ را مجاز دانسته است و این جواز در حد ضرورت است و براساس آموزه های اسلامی چیزی که به ضرورت و اضطرار به همان مقدار مجاز دانسته شده، در همان محدوده با شرایط سفت و سخت جایز است: الضرورات تبیح بقدرها. پس جواز دروغ همانند جواز خوردن مرده برای مضطر آن است که باید به مقدار نیاز و با شرایط خاصی انجام گیرد. دروغ مصلحتی یک توجیه است برای دروغگویان، البته دروغ مصلحتی شرایطی دارد، زمانی که دروغ به کسی آسیبی نرساند و موجب حفظ آبروی مومن شود با حفظ شرایطی امکان پذیر است.

باید منظور از مصلحت را تعریف کرد زیرا مصلحت جایگاه دارد. ضعف ایمان و سبب دروغ می شود اما نمی توان این موضوع را تعمیم داد و کسی هم که یکبار دروغ می گوید که دروغگو نیست.

در دنیا انگلیسیها دروغترین افراد هستند و روزی 150 میلیون دروغ می گویند باید برای ایرانیها را هم شمرد که قطعاً بالاتریم. بنابراین دروغ از ضعف یا کمبود شخصیت می آید. این عوامل باعث دروغگویی فرد می شود. گاهی فرد به عواقب دروغ اهمیت نمی دهد یا معاشرت با افراد دروغگو بسیار بر روی او تاثیر می گذارد، مثلاً همین که به کودکمان می گوئیم که به دروغ بگو بابا نیست همین باعث دروغگو شدن کودک می شود. گاهی هم عواقب دروغ را کسی نمی داند و فقط برای نجات از همان لحظه دروغ می گوید که این معنایش نمی تواند دروغ باشد. پس می توان دروغ را به دروغ بد و خوب تقسیم کرد. باز هم تاکید می شود در اسلام هیچگاه دروغ پسندیده و خوب و هنجاری معرفی نشده است حتی اگر برای مصالح بسیار مهمی در برخی از موارد خاص و استثنائی تجویز شده و مجاز دانسته شده باشد؛ زیرا عنوان ناپسند بودن و زشت و بد بودن، همچنان باقی است و در محدوده ای بسیار تنگ و با شرایط بسیار سخت به حکم اضطرار و ضرورت، مجاز دانسته شده است.

این موارد از نظر اسلام کجاها هستند؟

درانی: مواردی که از نظر فقه اسلامی برای مصالح و منافع بسیار مهم شرعی، فردی یا اجتماعی، دروغ به عنوان دروغ مصلحتی عنوان می شود در موقعیت اضطرار و ناچاری است، هرگاه کسی برای حفظ جان یا مال یا ناموس خود یا فرد مسلمان دیگر، سخن یا سوگند دروغ بخورد، جایز است. لذا امام صادق(ع) فرموده است: ««؛ اگر انسان از روی تقیه و ضرورت و ناچاری سوگند دروغ یاد کند، ضرری ندارد.». اصلاح میان مردم یعنی هرگاه بین دو نفر مسلمان خصومت و نزاعی باشد در این صورت انسان با یقین به مؤثر بودن، می تواند با گفتن دروغ، کینه و عداوت را برطرف کرده و صلح و صفا و صمیمیت میان آنها برقرار کند، مشروط بر اینکه فایده و نتیجه ای بر آن محتمل باشد. مثلاً اگر دو نفر یا دو خانواده با یکدیگر قهر باشند. پیش یکی رفته و از قول دیگری بگوید که فلانی تعریف و تمجید شما را می کرد.

در زمان خدعه و نیرنگ در جنگ: یکی دیگر از مواردی که گفتن دروغ حرام نیست، جنگ و جهاد است. وعده به خانواده و همسر: در دین مقدس اسلام هزینه زندگی زن و فرزند به عهده مرد است. البته نفقه واجب به تناسب امکانات و مقدار توان است و بیش از آن لازم نیست، اما چون بسیاری از اوقات در اثر زیاده طلبی و چشم و هم چشمی، تقاضای خانواده فراتر از امکانات مرد و بیش از حد توان او است، در چنین وضعی مرد بر سر دوراهی قرار می گیرد: یا باید با برخورد منفی و رد صریح در برابر خواسته های آنان موضع گیری کند و یا با برخورد امیدوارکننده و وعده های مصلحتی و غیر جدی تا حدودی آنها را راضی و قانع سازد. حال، با توجه به اینکه پاسخ منفی و تند جز جریحه دار شدن عواطف و تزلزل ارکان خانواده و حتی طلاق همسر سرانجامی ندارد، ناگزیر اجازه داده شده که از روش دوم استفاده شود و آن به ظاهر دروغ گفتن مصلحتی است. در همان روایتی که در بالا از رسول خدا(ص) نقل شد، به این مورد نیز اشاره شده و تمام روایت این است: ««؛ یا علی! ثلاث یحسن فیهن الکذب، المکیده فی الحرب و عدتک زوجتک و الاصلاح

بین الناس» یا علی! سه مورد است که دروغ گفتن در آن نیکو است. خدعه و نیرنگ در جنگ. وعده به همسر و اصلاح میان مردم. این روایت ملاک و معیار خوبی در اختیار ما قرار داده است که می توانیم براساس آن تشخیص بدهیم که دروغ گفتن در این موارد اشکالی ندارد و اگر دروغ بگوییم در این موارد، دارای مصلحت و فایده می باشد.

این نکته را هیچ گاه نباید فراموش کرد که دروغ هرگز خوب و پسندیده نخواهد بود و همانند کارهای حرام دیگری چون مرده خواری و شرابخواری هر چند که به اضطراب باشد، آثار سوء وضعی خود را به جا می گذارد. از این رو پیامبران و اولیای الهی حتی از دروغ های مصلحتی پرهیز داشتند و حتی توبیه با جواز آن انجام نمی دادند؛ زیرا جواز در اضطراب امری ناپسند و حرام و گناه مانند دروغ، شراب و مرده دلیل بر تغییر ماهیت آنها نمی شود و آثار سوء آنها در جان و جسم انسان باقی خواهد بود. از این رو برخی حتی از دروغ مصلحتی و مجاز به هر شکلی شده گریزان بوده و هستند؛ زیرا لقمه حرام اگر چه به مصلحت حفظ جان باشد، لاجرم و ناخواسته تأثیرات بد خود را خواهد گذاشت. اما برخی از افراد به ظاهر متدین عادت کرده اند که در هر موقعیتی که منافع آنها به خطر می افتد و با کوچک ترین توجیه، به دروغ متوسل می شوند و نام آن را دروغ مصلحتی می گذارند، در حالی که- چنانکه در بالا اشاره شد- دروغ در همه حال امری حرام و بد و زشت است و اگر مواردی استثناء شده و جواز دروغ در آنها داده شده صرفاً برای مصلحتی بزرگتر و مهم تر بوده و دروغهای مصلحتی فقط منحصر به همان موارد مجاز تعیین شده در روایات و شرع، می باشد و غیر از آن موارد، همگی دروغهای حرام بشمار می رود که فرد به خیال خود آنها را مصلحتی می داند در حالی که به واقع دروغهای منفعتی برای اوست که بخاطر به خطر افتادن منفعتی از او، متوسل به آن دروغ شده است.

دروغ خوب که شما به آن اشاره کردید همان تقیه است؟

درانی: مفهوم آن گسترده است. همانطور که بارها اشاره کردم دروغ، همیشه بد و زشت نیست، بلکه حتی دروغ خوب هم داریم. دروغ های خوب، دروغی مصلحتی و اگر به قصد منفعتی نیز دروغ گفته شود، آن دروغ هم مجاز بوده و از عنوان زشتی و بدی و گناه بودن خارج می شود؛ چرا که اگر با دروغی منفعتی بزرگ نصیب شخص یا جامعه شود، با اهم و مهم کردن، می توان دروغ گفت و از فواید و آثار آن بهره برد. دروغ در اسلام بلکه تمامی ادیان الهی حرام است، اما در مواردی که مصلحت دروغ گفتن بیشتر از مفسده آن باشد، دروغ حرام نیست، بلکه در برخی موارد واجب است. در این گونه موارد، دروغ، مصلحت آمیز نام گرفته است؛ از جمله موارد آن: بنابراین تمام موارد را می توان در یک قاعده کلی خلاصه کرد و آن عبارت است از: به خطر افتادن اهداف مهم تر. در حقیقت تجویز دروغ در این موارد به خاطر ضرورت است و باید به همان قدر ضرورت اکتفا شود. موارد بسیاری نیز وجود دارد که به عنوان دروغ مصلحت آمیز در بین مردم شناخته می شود، اما در واقع چنین نیست، مثلاً کسی به خاطر مصلحت فردی خود و منافع شخصی و کارهای جزئی دروغ می گوید. آن چه نزد عوام متداول است و آن را دروغ مصلحتی می نامند که مصلحت شخصی خودشان است، دروغ واقعی و حرام بوده و دارای آثار خود است و مصلحت اندیشی موجب عذر نخواهد بود. در آموزش تقیه و دروغ مصلحتی آموزش اشکال دارد. دو نکته وجود دارد اول اینکه نگاه دین به اخلاق متعالی است. دوم اینکه جوان امروز دین گریز است. زیرا ما نتوانستیم مفاهیم دینی را به جوانان ارائه دهیم و ماهواره و اینترنت جایگزین ما شدند. اسلام گسترش کمی پیدا کرد نه کیفی و برای همین همین بلا سرآموزشهای دینی آمد. باید خوراک فکری به جوانان داد.

در آن زمان که اسلام گسترش یافت تفکرات اسرائیلیات به مردم آموخته شد وقتی تعالیم دین اسلام نبود یهود این خلا را پر کرد و در اسلام این بخش را داریم. در عصر صادقین تلاش شد چهره واقعی دین نشان داده شود. هر کس متاسفانه تفسیری از دین دارد و دین ویرینی شده یعنی ظاهر زیبایی دارد اما جنس آن واقعی نیست. اخوند باید واعظ باشد اما منبرها درگیر این موضوع نیستند. از سوی دیگر اصولی داریم در مسائل اخلاقی وجود دارد که مثلاً دروغ گفتن حرام است اما راست هم نباید گفت یا جز راست نباید گفت هر راست نشاید گفت. گاهی نباید راست گفت که به وقت ضرورت است چون در وقت ناچاری لاشه مردار را هم می توان خورد. دکتر محرم نیست اما در وقت ضرورت می توان مراجعه کرد. دروغ گفتن بد اما راست گفتن هم لازم نیست و گاهی همین دروغ هم بد نیست این در این ما آمده چون دین ما دین بن بست نیست. بنابراین محدوده دروغ مصلحتی مشخص است و هرچیزی را نمی توان تعمیم داد. شما مفهوم را دارید و مصادیق را با آن سنجیدید که آن اشتباه است. امام صادق (ع) هم فرمودند که انسان مصلح دروغگو نیست. سعدی هم می گوید که دروغی مصلحت آمیز بهتر از راستی فتنه انگیز است. یک جای دیگر که می توان دروغ گفت به اهل است. مثل همسر. حتی اگر احساس کراهت نسبت به همسر تا ن دارید به او دروغ بگویید این موضوع در قرآن هم آمده است و به همسرت این موضوع را نگو آیا این دروغ است؟ یا اینکه حفظ خانواده است.

اما این دروغهای مصلحتی تعمیم پیدا می کند. اگر کلاً بگوییم راست بگوییم بهتر نیست؟ مثلاً یک عمر به همسرمان دروغ بگوییم؟ درانی: شما همسرت را دوست نداری و صداقت را بگو در اینصورت بین چه می شود. به نظر من گاهی صداقت سم است. گاهی می توان با دروغ مصلحتی موضوع را درست کرد. ما به دختران جوان همیشه می گوییم یک وقت تمام مسائل زندگی دوره مجردی را به همسرشان نگویند نه اینکه دروغ بگویند بلکه واقعیت را هم نگویند. چون ایجاد بی اعتمادی می شود. دروغ گفتن حرام است اما راست گفتن هم لازم نیست این یعنی تعادل در زندگی. باید مصلحت و ضرورت را در کنار هم قرار داد اما هرچیزی را هم دروغ مصلحتی عنوان کرد تعبیر شخصی از این موضوع است.

مهاجری: وقتی دین بنا به دلایلی دروغ گفتن را مجاز می داند فرد این را می گیرد اما براساس منافع خودش این موضوع را تفسیر می کند که به آن مکتب مبادله می گویند که فرد بر اثر یافته های خودش مبادله می کند. استثناها را تعمیم می دهد، دروغ می گوید و اجتهاد می کند هرچند در مقام تشخیص نباشد. آنها می گویند که فلان مرجع دینی در بالای منبر برای خودش تبصره می زند و تفسیر

می کند پس من هم می توانم، چون قدرت تمیز ندارد. لذا باید با مراقبت این تفسیرها را مطرح کرد و من اینجا حق را به شمای پرسشگر می دهم. به نظر من حوزه باید واقعیات امروز را طور دیگر ببیند و با واقعیتهای امروز مسائل را تطبیق دهد. این روشها در آموزش و پرورش و خانواده و رسانه و منبرها باید انجام شود. الان شیوه ها سنتی هستند و جواب نمی دهد.

موسوی چلک: الان آموزشهای ها هم به سمت دروغگویی رفتند. در گذشته دروغ زشت بود اما الان در برنامه های تلویزیونی برای باختن طنز و خنداندن مردم یک شخصیت دروغگو می گذارند و محبوب مردم می شود. در سریال زیر آسمان شهر اگر یادتان باشد بهروز خالی بند چقدر شخصیت دوست داشتنی بود. بنابراین باید آموزشهای رسمی و غیر رسمی به سمتی حرکت کنند که افراد دروغگو نشوند. از پیامدهای دروغگویی که کاملاً در جامعه ایرانی محسوس است، بی اعتمادی به افراد است. افراد در چنین جامعه ای از خود بیگانه می شوند. یعنی ایرانی هستند و در این جامعه زندگی می کنند اما خود را متعلق به جامعه نمی دانند. به سوی فردگرایی تمایل دارند و در هر کاری تنها افزایش سود خودشان را مدنظر قرار می دهند. در اینجا هم برای بالا بردن منفعت خود بازهم دروغ می گویند. ما در جامعه با افرادی روبه رو می شویم که با یکدیگر دوست نیستند. بی اعتمادی در جامعه یعنی از بین بردن سرمایه اجتماعی. وقتی بی اعتمادی حاکم باشد، دیگر افراد جامعه با هم متحد نیستند. هر کسی ساز خودش را می زند و فردگرایی بارزترین شاخصه این جامعه است. چیزی که امروز ما به وضوح در جامعه ایرانی می بینیم. اگر نتوانیم اعتمادسازی کنیم، دیگر تن به راستگویی نمی دهیم.

برای کاهش دروغگویی به نظر شما چه باید کرد؟ یعنی همانطور که آقای دکتر مهاجری فرمودند باید ضریب امنیت را بالا برد تا خود به خود این موضع هم کاهش پیدا کند؟

مهاجری: باید افراد را جامعه پذیر کرد و احساس امنیت داد. متأسفانه آموزشهای دینی ما در ایران با روشها متفاوت است. در نتیجه فرد دچار پارادوکس می شود و دروغگو می شود، چون مبانی اینگونه است و ساختار فرد دروغگو می شود. مبانی ما با تربیت متفاوت است و روشها فرق می کند. مبانی ما بر صداقت است اما آموزش بر اساس تئوری سلطه است و همین بستری را فراهم می کند که دروغ زائیده می شود و با کتمان آن نمی توان مشکل را حل کرد. باید زیرساختها را درست کرد و ضریب امنیت را بالا آورد تا مردم آرام آرام به هنجارها باز می گردانند و دروغ نمی گویند. یکی از مشکلات ما در سالهای اخیر اشتباه نظام استراتژیک نظام کنترلی ماست. ما خیلی از چیزها را گناه می دانیم درحالیکه اینگونه نیست، برای همین مردم ظاهر سازی می کنند. مقام رئیس جمهور ما می گوید مشکل جوان کشور ما دوتا موی بیرون آمده او نیست اما نظام کنترلی این کار را انجام می دهد و برخورد می کند. یک سرباز که از شهرستان آمده و در کنکور قبول نشده یک حس حسادت و عقده به پسر و جوان شهری که دانشگاه می رود دارد و او را اینگونه کنترل می کند. در حالیکه ارشاد کردن اینگونه نیست. ما تحقیق کردیم اکثر کسانی را که می گیرند مجبور می شوند در مورد خانواده و آدرسشان دروغ بگویند چون ناچار هستند. این عوامل سبب دروغگویی می شود.

موسوی چلک: باید در قوانین فرهنگی تجدیدنظر کرد. همانطور که گفتم تغییر قوانین فرهنگی کار یک روز و دو روز نیست. همانطور که جامعه طی یک روز و دو روز به این معضل دچار نشده، باید محدودیت های غیر ضروری را تا جایی که امکان دارد از بین ببریم. دوم اینکه اجرای قانون را در اولویت قرار دهیم. اگر فردی که می خواهد استخدام شود بداند قانون برای همه متقاضیان به طور یکسان اعمال می شود دلیلی برای دروغگویی ندارد!

علت دروغگویی و در واقع نیاز فرد است. این انتخاب می تواند برگرفته از زیاده طلبی باشد و از روی اجبار. فرد ممکن است به خاطر حفظ موقعیت دروغ بگوید. مثلاً یک کارمند برای آنکه شغلش را حفظ کند و از چشم رئیس نیفتد دروغ می گوید. فرد ممکن است برای فرار از مسئولیت، پاسخگویی یا توجیه دروغ بگوید تا نقطه ضعف یا قصورش علنی نشود. اما عده ای از افراد برای مهم جلوه دادن خودشان دروغ می گویند که طبیعتاً ریشه در مشکلات شخصیتی دارد؛ بیشتر این افراد می خواهند از این طریق، احترام بیشتری کسب کنند. تحمیل عقاید هم می تواند از علل دروغگویی باشد. گاهی نیز ضعف مدیریتی باعث دروغگویی می شود. مثلاً برخی مدیران به اصول مدیریتی آشنایی ندارند و کارمندان برای حفظ موقعیت خود دروغ می گویند. اما بدون شک منافع شخصی در تمامی این موارد برای فرد دروغگو وجود دارد.